

# مجلة الأحكام العدلية

کتاب 16

## در بیان احکام قضاء

مقدمه

کتاب شانزدهم "مجلة الأحكام العدلية" به طور مفصل به مسائل مربوط به قضاء و احکام قضاات پرداخته است. این کتاب که بخشی از یک مجموعه بزرگتر به نام "مجلة الأحكام العدلية" است، در دوران دولت عثمانی به عنوان یکی از منابع اصلی قانون مدنی تدوین شد و تأثیرات عمیقی بر سیستم‌های قضایی در کشورهای مختلف اسلامی گذاشت. مجلة الأحكام العدلية، به عنوان یک سند فقهی مهم، قوانین و مقرراتی را که از فقه حنفی استخراج شده‌اند، به شیوه‌ای نظام‌مند تدوین کرده است. این مقاله به بررسی باب اول از کتاب شانزدهم این مجله می‌پردازد که به مسائل مربوط به قضاات و احکام قضایی اختصاص دارد.

### باب اول کتاب شانزدهم مجلة الاحکام

#### فصل اول: تعریف اصطلاحات

در این فصل از کتاب شانزدهم، به تعریف و توضیح اصطلاحات کلیدی مرتبط با قضاء پرداخته می‌شود. این اصطلاحات شامل "قضاء"، "قاضی"، "حکم"، "محکوم به"، "محکوم علیه" و "محکوم له" می‌باشند. فهم دقیق این اصطلاحات برای درک کامل احکام قضایی و نقش قضاات در اجرای عدالت ضروری است.

**تعریف قضاء:** قضاء در لغت به معنای الزام، فیصله و تصمیم‌گیری نهایی است. در اصطلاح فقهی، قضاء به معنای اجرای حکم بر اساس احکام شرعی و قانونی است. قضاء از دیدگاه "مجلة الأحكام العدلية" به دو معنا به کار می‌رود: حکم و حاکمیت. حکم به معنای صدور یک فیصله قضایی است که توسط قاضی انجام می‌شود، و حاکمیت به معنای قدرت و اختیار قاضی در صدور حکم است. این دو مفهوم از هم جدا نیستند و در واقع حاکمیت به قدرت قانونی و شرعی قاضی در صدور احکام اشاره دارد.

**تعریف قاضی:** قاضی در مجلة الأحكام العدلية به عنوان شخصی تعریف می‌شود که از سوی حکومت یا سلطان برای حل و فصل دعاوی و مخاصمات بین مردم منصوب می‌شود. وظیفه اصلی قاضی، اجرای احکام شرعی و قانونی و حفظ عدالت در جامعه است. در این تعریف، قاضی باید دارای شرایط و اوصاف خاصی باشد که او را قادر به اجرای درست و منصفانه احکام کند.

**تعریف حکم:** حکم در "مجلة الأحكام العدلية" به عنوان نتیجه نهایی یک فیصله قضایی تعریف شده است. حکم به دو نوع تقسیم می‌شود: حکم الزام و حکم ترک. در حکم الزام، قاضی محکوم علیه را موظف به انجام یک عمل یا پرداخت

یک مبلغ می‌کند. در حکم ترک، قاضی مدعی را از ادامه دعوی منع می‌کند و این حکم به معنای عدم استحقاق مدعی است.

**تعریف محکوم به:** محکوم به، موضوعی است که حکم در مورد آن صادر می‌شود. به عبارت دیگر، محکوم به چیزی است که قاضی آن را به عنوان حق مدعی تعیین کرده و محکوم علیه موظف به پرداخت یا انجام آن است. محکوم به ممکن است شامل دارایی، پول، یا یک عمل مشخص باشد.

**تعریف محکوم علیه:** محکوم علیه شخصی است که حکم علیه او صادر شده و موظف به انجام آنچه که در حکم آمده است، می‌باشد. محکوم علیه ممکن است ملزم به پرداخت یک مبلغ پول، انتقال ملکیت یا انجام یک تعهد باشد.

**تعریف محکوم له:** محکوم له شخصی است که حکم به نفع او صادر شده است. محکوم له ممکن است مدعی یا کسی باشد که به عنوان ذیحق در یک دعوی شناخته شده و حق او توسط قاضی تأیید شده است.

این اصطلاحات، پایه و اساس فهم صحیح از احکام قضایی در سیستم قضایی اسلامی را تشکیل می‌دهند و درک دقیق آنها برای هر قاضی و حقوق دان ضروری است.

## فصل دوم: اوصاف قاضی

اوصاف قاضی یکی از مهمترین موضوعات مورد بحث در باب اول کتاب شانزدهم مجله الأحكام العدلیه است. این اوصاف شامل ویژگی‌های شخصیتی، علمی و اخلاقی قاضی است که او را برای انجام وظایف قضایی آماده می‌کند.

**اوصاف شخصیتی قاضی:** مجله الأحكام العدلیه بر این نکته تأکید دارد که قاضی باید دارای شخصیت متین و پایدار باشد. این ویژگی‌ها شامل حکمت، فهم، استقامت، امانت‌داری، و وقار است. قاضی باید فردی باشد که توانایی درک عمیق مسائل پیچیده را داشته باشد و بتواند تصمیمات عادلانه و منصفانه‌ای بگیرد. همچنین، قاضی باید در برابر فشارها و تهدیدات مقاومت کند و از عدالت و حق دفاع نماید.

**اوصاف علمی قاضی:** قاضی باید دارای دانش عمیق در زمینه فقه اسلامی و قوانین شرعی باشد. او باید با اصول و قواعد فقهی که مبنای احکام قضایی هستند، آشنا باشد و بتواند این اصول را در حل و فصل دعاوی به کار گیرد. علاوه بر دانش فقهی، قاضی باید با اصول محاکمات و رویه‌های قضایی نیز آشنایی کامل داشته باشد تا بتواند فرآیند محکمه را به درستی مدیریت کند.

**اوصاف اخلاقی قاضی:** اخلاق قاضی نقش بسیار مهمی در حفظ عدالت دارد. قاضی باید فردی امین و صادق باشد که بتواند اعتماد مردم را به دست آورد. او باید از هر گونه فساد، رشوه‌خواری و سوءاستفاده از قدرت دوری کند. امانت‌داری و رعایت تقوا در انجام وظایف قضایی از جمله ویژگی‌های ضروری برای هر قاضی است.

در مجموع، اوصاف قاضی در مجله الأحكام العدلیه به گونه‌ای تعریف شده‌اند که او را به یک فرد جامع‌الشرایط برای انجام وظایف قضایی تبدیل کنند. این اوصاف نه تنها به دانش و مهارت قاضی اشاره دارند، بلکه به ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی او نیز توجه ویژه‌ای دارند.

## فصل سوم: آداب قاضی

آداب قاضی به مجموعه‌ای از رفتارها و رویه‌هایی اشاره دارد که قاضی باید در طول دوران خدمت قضایی خود رعایت کند. این آداب شامل نحوه برخورد با طرفین دعوی، حفظ بی‌طرفی، اجتناب از رفتارهای ناپسند و حفظ حرمت و وقار مجلس قضاء می‌شود.

حفظ بی‌طرفی: یکی از مهمترین اصولی که قاضی باید رعایت کند، حفظ بی‌طرفی در تمام مراحل محکمه است. قاضی نباید به هیچ وجه تحت تأثیر عواطف شخصی یا منافع خارجی قرار گیرد. او باید در تمام تصمیمات خود عدالت را محور قرار دهد و بدون هیچ گونه تعصب یا تمایل به یکی از طرفین، حکم خود را صادر کند.

اجتناب از رفتارهای ناپسند: قاضی باید از هر گونه رفتاری که ممکن است موجب شک و تردید در صداقت و عدالت او شود، اجتناب کند. این رفتارها ممکن است شامل پذیرش هدایای مشکوک، شرکت در مهمانی‌های یکی از طرفین دعوی، یا تعامل نزدیک با افراد ذی‌نفع در دوسیه‌های قضایی باشد. چنین رفتارهایی می‌تواند به اعتبار قاضی و اعتماد عمومی به سیستم قضایی آسیب برساند.

حفظ حرمت و وقار مجلس قضاء: مجلس قضاء باید دارای محیطی محترمانه و با وقار باشد. قاضی باید از هر گونه رفتار یا گفتاری که ممکن است این وقار را تحت الشعاع قرار دهد، خودداری کند. او باید با لباس مناسب و رفتار متین در مجلس قضاء حضور یابد و با رعایت نظم و احترام، دادرسی را به پیش ببرد.

توجه به نیازهای مردم: قاضی باید همیشه به نیازها و مشکلات مردم توجه داشته باشد و در دادرسی‌ها تلاش کند تا حق و عدالت را به نحو احسن اجرا کند. او باید به شکایات و درخواست‌های مردم با دقت و توجه رسیدگی کند و از تعلل و تأخیر در صدور احکام خودداری نماید.

آداب قاضی در "مجله الأحكام العدلیه" به گونه‌ای طراحی شده است که او را در مسیر اجرای عدالت هدایت کند و از هر گونه انحراف از اصول عدالت و انصاف جلوگیری کند. رعایت این آداب برای حفظ اعتماد عمومی به سیستم قضایی و اطمینان از اجرای صحیح و عادلانه احکام ضروری است.

## فصل چهارم: قیود بروظائف قاضی

وظایف قاضی در "مجله الأحكام العدلیه" با قیود و محدودیت‌های مشخصی همراه است که هدف آن‌ها تضمین عدالت و جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت است. این قیود به قاضی کمک می‌کنند تا در چارچوب قوانین و مقررات عمل کرده و از دخالت عوامل خارجی در فرآیند دادرسی جلوگیری کند.

قید زمانی: قاضی باید در محدوده زمانی معین به دعاوی رسیدگی کند و نباید هیچ دوسیه‌ای را بدون دلیل موجه به تأخیر بیندازد. تأخیر در دادرسی می‌تواند به ضرر طرفین دعوی تمام شود و عدالت را زیر سؤال ببرد. بنابراین، قاضی باید تلاش کند تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن، حکم خود را صادر کند.

قید مکانی: قاضی باید فقط در حوزه قضایی خود به دعاوی رسیدگی کند. او نمی‌تواند به دوسیه‌هایی که خارج از محدوده صلاحیت مکانی او هستند، رسیدگی کند. این قید به منظور جلوگیری از تداخل صلاحیت‌ها و حفظ نظم در سیستم قضایی وضع شده است.

قید متعلق به دعاوی معینه: قاضی باید به دعاوی که به او ارجاع می‌شود، با دقت و تمرکز رسیدگی کند و نباید در مسائل خارج از موضوع دعوی دخالت کند. او باید از هر گونه اظهار نظر یا تصمیم‌گیری در موضوعاتی که خارج از دایره صلاحیت او هستند، خودداری نماید.

قید متعلق به اشخاص معین: قاضی نباید به دوسیه‌هایی که مربوط به نزدیکان، دوستان یا دشمنان شخصی اوست، رسیدگی کند. این قید به منظور حفظ بی‌طرفی و جلوگیری از تضاد منافع وضع شده است. قاضی باید از هر گونه دخالت در دوسیه‌هایی که ممکن است با منافع شخصی او تداخل داشته باشد، اجتناب کند.

قید عمل به نظر مجتهد معین: در مواردی که قاضی به دلیل پیچیدگی موضوع دعوی نیاز به نظر فقهی دارد، باید به نظر مجتهد معین مراجعه کند. این قید به قاضی کمک می‌کند تا در مواردی که دانش فقهی او کافی نیست، از نظرات فقهی معتبر بهره‌مند شود و حکم صحیحی صادر کند.

قیود بر وظائف قاضی در "مجله الأحكام العدلیه" به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که قاضی را در مسیر اجرای صحیح و عادلانه وظایف خود هدایت کنند. این قیود به قاضی کمک می‌کنند تا در چارچوب قوانین عمل کند و از هر گونه دخالت غیرمجاز در فرآیند دادرسی جلوگیری کند.

### فصل پنجم: تعدد قضات در رسیدگی به دعاوی واحد

یکی از مسائل مهم در سیستم قضایی، موضوع تعدد قضات در رسیدگی به یک دعوی واحد است. در برخی موارد، به دلیل پیچیدگی و اهمیت دعوی، لازم است که بیش از یک قاضی به آن رسیدگی کنند. "مجله الأحكام العدلیه" به این مسئله پرداخته و شرایط و احکام مرتبط با آن را بیان کرده است.

تعدد قضات در رسیدگی به دعوی واحد به طور مشترک: در برخی دعاوی مهم و پیچیده، رسیدگی به دوسیه توسط یک قاضی کافی نیست و نیاز به حضور چند قاضی وجود دارد. این قضاوت مشترک به منظور بررسی دقیق‌تر و جلوگیری از هرگونه اشتباه یا انحراف از عدالت انجام می‌شود. در این حالت، قضات به طور مشترک به بررسی ادله، شواهد و استدلال‌های طرفین می‌پردازند و در نهایت به یک تصمیم مشترک می‌رسند.

اختلاف طرفین دعوی در انتخاب قاضی: در مواردی که طرفین دعوی در انتخاب قاضی به توافق نرسند، "مجله الأحكام العدلیه" راهکارهایی را برای حل این اختلاف پیشنهاد می‌دهد. یکی از این راهکارها، ارجاع دعوی به یک هیئت قضایی است که متشکل از چند قاضی باشد. در این صورت، هر یک از طرفین دعوی می‌توانند یک قاضی را پیشنهاد دهند و هیئت قضایی به طور مشترک به دعوی رسیدگی کند.

اهمیت تعدد قضات در حفظ عدالت: تعدد قضات در برخی دعاوی می‌تواند به حفظ عدالت و جلوگیری از هرگونه تعصب یا خطا کمک کند. با وجود چند قاضی در یک دوسیه، تصمیم‌گیری‌ها به صورت گروهی و با مشورت انجام

می‌شود و احتمال اشتباه یا سوگیری کاهش می‌یابد. این امر به ویژه در دعاوی حساس و پیچیده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

**تعدد قضات در سیستم‌های قضایی مختلف:** در بسیاری از سیستم‌های قضایی مدرن، اصل تعدد قضات در دعاوی مهم و حساس به کار گرفته می‌شود. این سیستم‌ها به دلیل پیچیدگی‌های موجود در دعاوی مختلف، از وجود چند قاضی برای بررسی و صدور حکم بهره می‌برند. این امر نشان‌دهنده اهمیت تعدد قضات در حفظ عدالت و جلوگیری از هرگونه انحراف از اصول قضایی است.

در نهایت، "مجله الأحكام العدلیه" تأکید می‌کند که در صورت نیاز به تعدد قضات، باید این امر با دقت و بر اساس اصول قضایی انجام شود تا از هرگونه تعارض و اختلاف جلوگیری شود و عدالت به بهترین شکل ممکن اجرا گردد.

### فصل ششم: صلاحیت‌های اداری و حوزوی قاضی

صلاحیت‌های اداری و حوزوی قاضی یکی از مباحث مهم در "مجله الأحكام العدلیه" است که به نقش و وظایف قاضی در حوزه‌های مختلف اداری و قضایی می‌پردازد. این فصل به بررسی صلاحیت‌های مختلفی که قاضی در چارچوب وظایف خود دارد، اختصاص دارد.

**صلاحیت اداری قاضی در نصب و عزل نایب:** یکی از وظایف قاضی، نصب و عزل نایب است. نایب، فردی است که از سوی قاضی برای انجام برخی از وظایف خاص تعیین می‌شود. قاضی باید در نصب و عزل نایب، اصول و ضوابط خاصی را رعایت کند. این صلاحیت به قاضی امکان می‌دهد تا در مواقع ضروری از نایب برای انجام وظایف خود استفاده کند، اما در عین حال، قاضی باید به طور مداوم عملکرد نایب را نظارت کرده و در صورت لزوم او را عزل کند.

**صلاحیت قاضی در رسیدگی به دعوی عقار که خارج حوزه قضایی او است:** در برخی موارد، قاضی ممکن است با دعاوی مربوط به املاک و مستغلاتی که خارج از حوزه قضایی او قرار دارند، مواجه شود. "مجله الأحكام العدلیه" در این زمینه صلاحیت خاصی برای قاضی قائل شده است. قاضی می‌تواند به این دعاوی رسیدگی کند، مشروط بر اینکه این امر با موافقت مقامات بالاتر قضایی انجام شود. این صلاحیت به قاضی اجازه می‌دهد تا در موارد خاص و با رعایت قوانین و مقررات، به دعاوی خارج از حوزه قضایی خود رسیدگی کند.

**نقش قاضی در تصمیم‌گیری‌های اداری:** قاضی علاوه بر وظایف قضایی، ممکن است در تصمیم‌گیری‌های اداری نیز نقش داشته باشد. این تصمیمات می‌تواند شامل مسائل مربوط به مدیریت محکمه، تعیین بودجه، نظارت بر کارکنان و سایر مسائل اداری باشد. قاضی باید در این موارد با دقت و با رعایت اصول اداری عمل کند تا از هرگونه فساد یا سوءاستفاده جلوگیری شود.

**صلاحیت‌های حوزوی قاضی:** قاضی همچنین صلاحیت‌هایی در حوزه مسائل شرعی و دینی دارد. او ممکن است در مسائل مربوط به فتوا، تطبیق قوانین شرعی و اجرای احکام دینی نقش داشته باشد. در این موارد، قاضی باید با دانش فقهی خود و با مراجعه به منابع معتبر شرعی، تصمیمات صحیحی بگیرد. این صلاحیت‌ها به قاضی کمک می‌کند تا در مواردی که نیاز به تصمیم‌گیری بر اساس اصول دینی است، به درستی عمل کند.

نظارت بر عملکرد قضات دیگر: قاضی ممکن است در مواردی وظیفه نظارت بر عملکرد قضات دیگر را نیز داشته باشد. این نظارت می‌تواند به منظور اطمینان از رعایت عدالت و اجرای صحیح احکام قضایی انجام شود. قاضی باید در این موارد با دقت و بی‌طرفی عمل کند و هرگونه تخلف را به مقامات بالاتر گزارش دهد.

صلاحیت‌های اداری و حوزوی قاضی در "مجله الأحكام العدلیه" به گونه‌ای تعریف شده‌اند که قاضی را قادر به انجام وظایف خود در چارچوب قوانین و مقررات می‌سازند. این صلاحیت‌ها به قاضی اجازه می‌دهند تا به طور موثر و عادلانه به دعاوی رسیدگی کرده و از اجرای صحیح احکام قضایی اطمینان حاصل کند.

## فصل هفتم: اجتناب ورد قاضی

در "مجله الأحكام العدلیه"، مسئله اجتناب ورد قاضی یکی از مباحث مهمی است که به شرایط و موقعیت‌هایی می‌پردازد که در آن قاضی باید از رسیدگی به یک دوسیه خودداری کند یا رد شود. این موضوع به منظور حفظ بی‌طرفی و جلوگیری از هرگونه تعارض منافع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قرابت یا خصومت قاضی با یکی از طرفین دعوی: یکی از مواردی که ممکن است باعث اجتناب یا رد قاضی شود، وجود قرابت یا خصومت بین قاضی و یکی از طرفین دعوی است. اگر قاضی با یکی از طرفین دعوی رابطه خویشاوندی نزدیک داشته باشد یا در گذشته با او درگیر خصومت باشد، باید از رسیدگی به دوسیه خودداری کند. این امر به منظور جلوگیری از هرگونه تعصب یا تمایل به جانب‌داری از یکی از طرفین دعوی صورت می‌گیرد.

قرارگرفتن قاضی به صفت مدعی یا مدعی‌علیه: در مواردی که قاضی خود به عنوان مدعی یا مدعی‌علیه در یک دوسیه مطرح باشد، باید از رسیدگی به آن دوسیه اجتناب کند. این وضعیت ممکن است باعث ایجاد تعارض منافع شود و بی‌طرفی قاضی را زیر سوال ببرد. "مجله الأحكام العدلیه" تصریح می‌کند که در چنین مواردی، قاضی باید دوسیه را به یک قاضی دیگر واگذار کند.

موارد دیگر اجتناب ورد قاضی: علاوه بر موارد فوق، "مجله الأحكام العدلیه" به سایر موقعیت‌هایی که ممکن است باعث اجتناب یا رد قاضی شود، اشاره می‌کند. این موارد شامل وضعیت‌هایی است که در آن قاضی به هر دلیلی نمی‌تواند به صورت بی‌طرفانه و عادلانه به دوسیه رسیدگی کند. برای مثال، اگر قاضی با یکی از طرفین دعوی رابطه مالی داشته باشد یا در گذشته درگیر یک دوسیه مشابه بوده باشد، باید از رسیدگی به آن دوسیه خودداری کند.

اهمیت اجتناب ورد قاضی در حفظ عدالت: اجتناب ورد قاضی یکی از اصول مهم در حفظ عدالت و بی‌طرفی در دادرسی است. این اصل به قاضی کمک می‌کند تا از هرگونه تعارض منافع یا تأثیرات خارجی در تصمیم‌گیری‌های خود جلوگیری کند و به این ترتیب اعتماد عمومی به سیستم قضایی را حفظ نماید.

رویه اجتناب ورد قاضی در سیستم‌های قضایی مدرن: در بسیاری از سیستم‌های قضایی مدرن، اصل اجتناب ورد قاضی به طور گسترده‌ای پذیرفته شده و اجرا می‌شود. در این سیستم‌ها، قوانینی وجود دارد که به قضات اجازه می‌دهد در صورت وجود تعارض منافع یا هرگونه دلیل دیگر که ممکن است بر بی‌طرفی آنها تأثیر بگذارد، از رسیدگی به

یک دوسیه خودداری کنند. این قوانین به منظور حفظ عدالت و بی طرفی در دادرسی تدوین شده‌اند و به قضات کمک می‌کنند تا به نحو احسن به وظایف خود عمل کنند.

در نهایت، "مجله الأحكام العدلیه" تأکید می‌کند که قاضی باید همیشه به اصول بی طرفی و عدالت پایبند باشد و در صورت وجود هرگونه دلیل که ممکن است بر تصمیم‌گیری او تأثیر بگذارد، از رسیدگی به دوسیه اجتناب کند یا از سوی مقامات بالاتر رد شود. این امر به حفظ اعتماد عمومی به سیستم قضایی و اطمینان از اجرای صحیح عدالت کمک می‌کند.

### فصل هشتم: صلاحیت قاضی در اولویت دادن به بعضی دعاوی

در "مجله الأحكام العدلیه"، یکی از وظایف مهم قاضی، تعیین اولویت در رسیدگی به دعاوی مختلف است. این موضوع به ویژه در شرایطی که تعداد زیادی دوسیه در دست بررسی است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قاضی باید بر اساس معیارهای مشخصی تصمیم بگیرد که کدام دعاوی باید در اولویت قرار گیرند.

معیارهای تعیین اولویت در رسیدگی به دعاوی: قاضی باید در تعیین اولویت دعاوی، معیارهای مختلفی را در نظر بگیرد. این معیارها ممکن است شامل اهمیت دعوی، فوریت موضوع، وضعیت طرفین دعوی، و تأثیر احتمالی حکم بر جامعه باشد. برای مثال، دعاوی که با حقوق اساسی افراد در ارتباط هستند یا دعاوی که ممکن است تأثیرات گسترده‌ای بر جامعه داشته باشند، باید در اولویت قرار گیرند.

نقش فوریت در تعیین اولویت دعاوی: یکی از مهمترین عواملی که قاضی باید در تعیین اولویت دعاوی در نظر بگیرد، فوریت موضوع است. دعاوی که نیاز به تصمیم‌گیری سریع دارند، مانند دعاوی مربوط به امور خانوادگی، مسائل حقوقی فوری، یا دوسیه‌های جنایی که نیاز به رسیدگی سریع دارند، باید در اولویت قرار گیرند. قاضی باید توجه داشته باشد که تأخیر در رسیدگی به این نوع دعاوی می‌تواند به ضرر طرفین دعوی یا جامعه تمام شود.

تأثیر اولویت‌بندی بر کیفیت دادرسی: تعیین اولویت در رسیدگی به دعاوی به قاضی کمک می‌کند تا دادرسی‌ها را به صورت کارآمدتر و عادلانه‌تر انجام دهد. با این حال، قاضی باید مراقب باشد که اولویت‌بندی به کیفیت دادرسی لطمه نزند. او باید همچنان به همه دعاوی با دقت و انصاف رسیدگی کند و از هرگونه تصمیم‌گیری عجولانه که ممکن است به بی‌عدالتی منجر شود، خودداری نماید.

رویه تعیین اولویت در سیستم‌های قضایی مختلف: در بسیاری از سیستم‌های قضایی مدرن، رویه‌های مشخصی برای تعیین اولویت دعاوی وجود دارد. این رویه‌ها به قضات کمک می‌کنند تا با توجه به اهمیت و فوریت دعاوی، آنها را به ترتیب اولویت رسیدگی کنند. این رویه‌ها ممکن است شامل تعیین معیارهای خاص برای اولویت‌بندی، استفاده از سیستم‌های الکترونیکی برای مدیریت دوسیه‌ها، و ایجاد محکمه‌های تخصصی برای رسیدگی به دعاوی خاص باشد.

در نهایت، "مجله الأحكام العدلیه" تأکید می‌کند که قاضی باید با دقت و انصاف به تعیین اولویت در رسیدگی به دعاوی بپردازد و از هرگونه تصمیم‌گیری که ممکن است به بی‌عدالتی منجر شود، خودداری کند. این امر به حفظ اعتماد عمومی به سیستم قضایی و اطمینان از اجرای صحیح و عادلانه احکام کمک می‌کند.

## فصل نهم: صلاحیت قاضی در فتوی خواستن از دیگران

یکی از وظایف مهم قاضی در "مجله الأحكام العدلیه"، توانایی او در درخواست فتوی از دیگران است. این مسئله به ویژه در مواردی اهمیت دارد که قاضی با مسائلی پیچیده و دشوار مواجه می‌شود که نیاز به تفسیر دقیق فقهی دارند. در این فصل، به بررسی شرایط و مواردی که قاضی می‌تواند یا باید از دیگران فتوی بخواهد، پرداخته می‌شود.

ضرورت فتوی در موارد پیچیده: در برخی موارد، قاضی ممکن است با مسائلی مواجه شود که حل آنها نیاز به دانش عمیق فقهی دارد. در چنین مواردی، قاضی ممکن است نیاز به مشورت با فقهای برجسته یا درخواست فتوی از آنها داشته باشد. این امر به قاضی کمک می‌کند تا از نظرات فقهی معتبر برای صدور حکم استفاده کند و از هرگونه اشتباه در تفسیر قوانین جلوگیری نماید.

شرایط درخواست فتوی: "مجله الأحكام العدلیه" تصریح می‌کند که قاضی باید تنها در مواردی که خود قادر به حل مسئله نیست، از دیگران فتوی بخواهد. او باید ابتدا تلاش کند تا با استفاده از دانش فقهی خود، مسئله را حل کند و تنها در صورت عدم توانایی در این کار، به دیگران مراجعه نماید. این امر به منظور جلوگیری از هرگونه اتکا بیش از حد به نظرات دیگران و حفظ استقلال قضایی قاضی صورت می‌گیرد.

مسئولیت قاضی در پذیرش یا رد فتوی: قاضی پس از دریافت فتوی، مسئولیت دارد که آن را بررسی کرده و در صورت تطابق با اصول شرعی و قانونی، از آن در صدور حکم استفاده کند. اگر قاضی به این نتیجه برسد که فتوی با شرایط دوسیه یا قوانین موجود مطابقت ندارد، می‌تواند آن را رد کند و به دنبال فتوی دیگری باشد. این مسئولیت به قاضی اجازه می‌دهد تا با حفظ استقلال قضایی خود، از نظرات فقهی معتبر بهره‌مند شود.

تأثیر فتوی بر فرآیند دادرسی: استفاده از فتوی در فرآیند دادرسی می‌تواند به قاضی کمک کند تا به تصمیمات دقیق‌تر و عادلانه‌تری برسد. فتوی به عنوان یک ابزار فقهی، به قاضی کمک می‌کند تا مسائلی را که خارج از حوزه تخصصی اوست، به درستی تفسیر کند و از هرگونه انحراف از عدالت جلوگیری نماید.

فتوی در سیستم‌های قضایی مختلف: در بسیاری از سیستم‌های قضایی اسلامی، فتوی به عنوان یکی از ابزارهای مهم در دادرسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. قضات ممکن است در موارد پیچیده یا اختلافی، از فتوی برای حل و فصل دعاوی استفاده کنند. این امر به ویژه در مواردی که قوانین موجود نیاز به تفسیر دارند یا مسائل فقهی جدیدی مطرح می‌شوند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در نهایت، "مجله الأحكام العدلیه" تأکید می‌کند که قاضی باید با دقت و با توجه به شرایط دوسیه، از ابزار فتوی استفاده کند و از هرگونه استفاده نادرست یا غیرضروری از آن خودداری نماید. این امر به حفظ عدالت و بی‌طرفی در دادرسی کمک می‌کند و اعتماد عمومی به سیستم قضایی را تقویت می‌نماید.

## فصل دهم: حالات منع اصدار حکم



در "مجله الأحكام العدلیه"، یکی از مباحث مهم مربوط به مواردی است که در آنها قاضی از صدور حکم منع می‌شود. این موارد معمولاً به دلیل وجود تعارض منافع، بی‌طرفی قاضی، یا نقص در فرآیند دادرسی رخ می‌دهند. در این فصل، به بررسی این حالات و دلایل منع صدور حکم پرداخته می‌شود.

وجود تعارض منافع: یکی از مهمترین دلایلی که ممکن است قاضی از صدور حکم منع شود، وجود تعارض منافع است. اگر قاضی به هر نحوی در دوسیه ذی‌نفع باشد یا با یکی از طرفین دعوی رابطه‌ای داشته باشد که ممکن است بر بی‌طرفی او تأثیر بگذارد، باید از صدور حکم خودداری کند. این تعارض منافع می‌تواند شامل روابط خانوادگی، مالی یا حتی روابط اجتماعی باشد.

عدم رعایت بی‌طرفی: قاضی باید در تمام مراحل دادرسی بی‌طرفی خود را حفظ کند. اگر به هر دلیلی قاضی نتواند بی‌طرفی را حفظ کند، باید از صدور حکم منع شود. برای مثال، اگر قاضی به دلیل فشارهای خارجی یا تهدیدات نتواند به طور مستقل و بی‌طرفانه تصمیم بگیرد، صدور حکم او ممکن است به ضرر عدالت باشد و به همین دلیل او باید از صدور حکم اجتناب کند.

نقص در فرآیند دادرسی: در برخی موارد، نقص‌های موجود در فرآیند دادرسی ممکن است باعث شود که قاضی از صدور حکم منع شود. این نقص‌ها می‌توانند شامل عدم رعایت اصول دادرسی، نقص در ارائه مدارک و شواهد، یا عدم حضور طرفین دعوی باشند. در چنین شرایطی، قاضی باید تا زمان رفع نقص‌ها از صدور حکم خودداری کند.

تأثیر منع اصدار حکم بر عدالت: منع اصدار حکم در مواقع ضروری به قاضی کمک می‌کند تا از صدور احکامی که ممکن است به ضرر عدالت تمام شوند، جلوگیری کند. این امر به ویژه در مواقعی که قاضی قادر به حفظ بی‌طرفی یا استقلال خود نیست، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با خودداری از صدور حکم در چنین شرایطی، قاضی می‌تواند از صدور احکامی که ممکن است مورد اعتراض یا تجدیدنظر قرار گیرند، جلوگیری کند.

رویه منع اصدار حکم در سیستم‌های قضایی مختلف: در بسیاری از سیستم‌های قضایی مدرن، قوانینی وجود دارد که به قضات اجازه می‌دهد در صورت وجود تعارض منافع یا سایر مواردی که ممکن است بر بی‌طرفی آنها تأثیر بگذارد، از صدور حکم خودداری کنند. این قوانین به منظور حفظ عدالت و بی‌طرفی در دادرسی تدوین شده‌اند و به قضات کمک می‌کنند تا از صدور احکامی که ممکن است به ضرر عدالت باشد، جلوگیری کنند.

در نهایت، "مجله الأحكام العدلیه" تأکید می‌کند که قاضی باید همیشه به اصول بی‌طرفی و عدالت پایبند باشد و در صورت وجود هرگونه دلیل که ممکن است بر تصمیم‌گیری او تأثیر بگذارد، از صدور حکم خودداری کند. این امر به حفظ اعتماد عمومی به سیستم قضایی و اطمینان از اجرای صحیح عدالت کمک می‌کند.

## فصل یازدهم: علنیت جلسات قضائی

علنیت جلسات قضائی یکی از اصول اساسی در "مجله الأحكام العدلیه" است که به منظور حفظ شفافیت و اعتماد عمومی به سیستم قضایی تدوین شده است. در این فصل، به بررسی اهمیت علنیت جلسات قضائی و شرایطی که ممکن است این اصل مورد استثناء قرار گیرد، پرداخته می‌شود.

اهمیت علنیت جلسات قضائی: علنیت جلسات قضائی به این معناست که جلسات دادرسی به صورت عمومی برگزار می‌شوند و هر کس می‌تواند در آنها حضور یابد. این اصل به منظور افزایش شفافیت در فرآیند دادرسی و جلوگیری از هرگونه تخلف یا سوءاستفاده از قدرت تدوین شده است. علنیت جلسات قضائی به مردم این اطمینان را می‌دهد که عدالت به طور عمومی و آشکار اجرا می‌شود و هیچ چیز پنهانی در سیستم قضایی وجود ندارد.

شرایط استثناء از علنیت جلسات قضائی: در برخی موارد خاص، ممکن است علنیت جلسات قضائی به دلیل حساسیت موضوع یا حفاظت از حقوق طرفین دعوی مورد استثناء قرار گیرد. این موارد ممکن است شامل دعاوی مربوط به امنیت ملی، مسائل خانوادگی، یا دعاوی مربوط به کودکان باشد. در چنین شرایطی، قاضی می‌تواند تصمیم بگیرد که جلسات به صورت غیرعلنی برگزار شود تا از هرگونه آسیب احتمالی به طرفین دعوی یا جامعه جلوگیری شود.

تأثیر علنیت جلسات قضائی بر اعتماد عمومی: علنیت جلسات قضائی به افزایش اعتماد عمومی به سیستم قضایی کمک می‌کند. وقتی مردم می‌بینند که جلسات دادرسی به صورت عمومی و شفاف برگزار می‌شوند، اعتماد بیشتری به عدالت و بی‌طرفی قضات پیدا می‌کنند. این اعتماد عمومی به نوبه خود به تقویت سیستم قضایی و اجرای بهتر عدالت کمک می‌کند.

علنیت جلسات قضائی در سیستم‌های قضایی مختلف: در بسیاری از سیستم‌های قضایی مدرن، اصل علنیت جلسات قضائی به عنوان یکی از اصول اساسی پذیرفته شده است. این اصل به قضات و محکمه‌ها کمک می‌کند تا دادرسی‌ها را به صورت شفاف و با رعایت حقوق طرفین دعوی برگزار کنند. با این حال، در برخی موارد خاص، ممکن است جلسات به صورت غیرعلنی برگزار شوند، اما این استثناءها باید به دقت و با توجه به حقوق طرفین دعوی و مصالح عمومی تعیین شوند.

در نهایت، "مجله الأحكام العدلیه" تأکید می‌کند که علنیت جلسات قضائی یکی از اصول اساسی برای حفظ شفافیت و اعتماد عمومی به سیستم قضایی است و باید به دقت رعایت شود. با این حال، در موارد خاص که ممکن است علنیت جلسات به ضرر حقوق طرفین دعوی یا امنیت عمومی باشد، می‌توان از این اصل استثناء قائل شد. این امر به حفظ تعادل بین شفافیت و حفاظت از حقوق افراد کمک می‌کند.

## باب دوم

### فصل اول: در بیان شروط حکم

در "مجله الأحكام العدلیه"، شروط حکم یکی از مباحث مهمی است که به منظور اطمینان از صدور احکام صحیح و عادلانه تدوین شده است. این شروط به قاضی کمک می‌کند تا در صدور احکام خود دقت لازم را به کار گیرد و از هرگونه خطا یا انحراف از عدالت جلوگیری کند.

شروط اساسی حکم: یکی از شروط اصلی برای صدور حکم، رعایت اصول و مقررات شرعی و قانونی است. قاضی باید مطمئن شود که حکم او بر اساس اصول فقهی و قوانین موجود صادر شده است و هیچ گونه تعارضی با آنها ندارد.

همچنین، حکم باید به گونه ای صادر شود که حقوق طرفین دعوی به طور کامل رعایت شود و هیچ گونه ظلمی به آنها نشود.

رعایت عدالت در صدور حکم: یکی دیگر از شروط مهم در صدور حکم، رعایت عدالت است. قاضی باید در صدور حکم خود از هرگونه تعصب، تمایل شخصی یا فشار خارجی خودداری کند و تنها بر اساس شواهد و مدارک موجود و با رعایت اصول شرعی و قانونی، حکم خود را صادر کند. عدالت به عنوان یکی از اصول اساسی در اسلام، باید در تمام مراحل دادرسی و صدور حکم رعایت شود.

لزوم شفافیت در صدور حکم: شفافیت در صدور حکم یکی دیگر از شروط مهمی است که قاضی باید رعایت کند. حکم باید به صورت واضح و شفاف صادر شود و دلایل و استدلال های قاضی در آن به روشنی بیان شود. این شفافیت به طرفین دعوی کمک می کند تا از دلایل صدور حکم آگاه شوند و در صورت نیاز، از حقوق خود در مراحل بعدی دفاع کنند.

تأثیر شروط حکم بر فرآیند دادرسی: رعایت شروط حکم به قاضی کمک می کند تا فرآیند دادرسی را به صورت صحیح و عادلانه انجام دهد. با رعایت این شروط، قاضی می تواند اطمینان حاصل کند که حکم او منطبق با اصول شرعی و قانونی است و هیچ گونه ظلمی به طرفین دعوی وارد نمی شود. این امر به حفظ عدالت و بی طرفی در دادرسی کمک می کند و اعتماد عمومی به سیستم قضایی را تقویت می نماید.

رویه شروط حکم در سیستم های قضایی مختلف: در بسیاری از سیستم های قضایی مدرن، شروط مختلفی برای صدور حکم وجود دارد. این شروط به منظور اطمینان از صدور احکام صحیح و عادلانه تدوین شده اند و به قضات کمک می کنند تا در فرآیند دادرسی به دقت عمل کنند. این شروط ممکن است شامل رعایت اصول قانونی، شفافیت در صدور حکم، و رعایت عدالت در دادرسی باشد.

در نهایت، "مجله الأحكام العدلیه" تأکید می کند که قاضی باید در صدور حکم خود تمامی شروط لازم را رعایت کند تا از هرگونه انحراف از عدالت جلوگیری شود. این شروط به قاضی کمک می کنند تا احکام خود را به صورت صحیح و عادلانه صادر کرده و از هرگونه خطا یا انحراف جلوگیری کند.

## فصل دوم: در بیان حکم غیابی

حکم غیابی یکی از موضوعات مهم در "مجله الأحكام العدلیه" است که به شرایط و مواردی پرداخته می شود که در آن قاضی می تواند حکم خود را در غیاب یکی از طرفین دعوی صادر کند. این موضوع به ویژه در مواردی اهمیت دارد که یکی از طرفین دعوی به دلایلی از حضور در جلسه دادرسی خودداری می کند یا نمی تواند حاضر شود.

شرایط صدور حکم غیابی: در "مجله الأحكام العدلیه" تأکید شده است که حکم غیابی تنها در شرایط خاصی قابل صدور است. یکی از این شرایط، عدم حضور یکی از طرفین دعوی در جلسه دادرسی بدون دلیل موجه است. در چنین مواردی، قاضی می تواند پس از بررسی مدارک و شواهد موجود، حکم خود را به صورت غیابی صادر کند. با این حال، قاضی باید اطمینان حاصل کند که عدم حضور طرفین دعوی ناشی از عدم اطلاع یا دلایل موجه نبوده است.

اعتراض به حکم غیابی: یکی از حقوق طرفین دعوی در صورت صدور حکم غیابی، امکان اعتراض به این حکم است. "مجله الأحكام العدلیه" تصریح می‌کند که طرفی که حکم غیابی علیه او صادر شده است، می‌تواند با ارائه دلایل موجه به محکمه اعتراض کرده و درخواست تجدیدنظر در حکم کند. این حق اعتراض به منظور حفظ عدالت و جلوگیری از صدور احکام ناعادلانه تدوین شده است.

تأثیر حکم غیابی بر عدالت: صدور حکم غیابی ممکن است در برخی موارد به ضرر یکی از طرفین دعوی باشد. بنابراین، قاضی باید با دقت و با رعایت اصول شرعی و قانونی اقدام به صدور حکم غیابی کند. در صورتی که قاضی به این نتیجه برسد که عدم حضور یکی از طرفین دعوی ناشی از دلایل موجه بوده است، باید از صدور حکم غیابی خودداری کند و جلسه دادرسی را به تعویق بیاورد.

حکم غیابی در سیستم‌های قضایی مختلف: در بسیاری از سیستم‌های قضایی مدرن، صدور حکم غیابی به عنوان یکی از ابزارهای قضایی پذیرفته شده است. با این حال، قوانین و مقررات مختلفی برای صدور این نوع حکم وجود دارد که به منظور حفظ حقوق طرفین دعوی تدوین شده‌اند. این قوانین ممکن است شامل شرایط خاص برای صدور حکم غیابی، امکان اعتراض به حکم، و مراحل تجدیدنظر در حکم باشد.

در نهایت، "مجله الأحكام العدلیه" تأکید می‌کند که قاضی باید در صدور حکم غیابی با دقت و با رعایت اصول شرعی و قانونی عمل کند و از هرگونه صدور حکم ناعادلانه جلوگیری نماید. این امر به حفظ عدالت و بی‌طرفی در دادرسی کمک می‌کند و اعتماد عمومی به سیستم قضایی را تقویت می‌نماید.

## باب سوم

### در رویت دعوی بعد از حکم

رویت دعوی بعد از صدور حکم یکی از مباحث مهم در "مجله الأحكام العدلیه" است که به شرایط و مواردی می‌پردازد که در آن دوسیه‌های قضایی پس از صدور حکم مجدداً مورد بررسی قرار می‌گیرند. این مسئله به ویژه در مواردی اهمیت دارد که پس از صدور حکم، شواهد یا مدارک جدیدی ارائه می‌شود که ممکن است بر تصمیم قبلی محکمه تأثیر بگذارد.

شرایط رویت دعوی بعد از حکم: در "مجله الأحكام العدلیه" تصریح شده است که رویت دعوی پس از صدور حکم تنها در شرایط خاصی امکان‌پذیر است. یکی از این شرایط، ظهور شواهد یا مدارک جدید است که در زمان صدور حکم در دسترس نبوده یا به دلیل عدم اطلاع طرفین دعوی، در محکمه ارائه نشده است. در چنین مواردی، قاضی می‌تواند تصمیم بگیرد که دوسیه مجدداً بررسی شود و حکم جدیدی صادر شود.

دلایل تجدیدنظر در حکم: علاوه بر ظهور شواهد جدید، دلایل دیگری نیز ممکن است باعث شود که محکمه تصمیم به تجدیدنظر در حکم بگیرد. این دلایل ممکن است شامل خطاهای قانونی در فرآیند دادرسی، عدم رعایت اصول دادرسی عادلانه، یا اشتباهات در صدور حکم باشد. در چنین شرایطی، محکمه می‌تواند حکم قبلی را لغو کرده و حکم جدیدی صادر کند.

تأثیر روییت دعوی بعد از حکم بر عدالت: روییت دعوی پس از صدور حکم می‌تواند به حفظ عدالت و اطمینان از صدور احکام صحیح کمک کند. با این حال، این فرآیند باید با دقت و با رعایت اصول شرعی و قانونی انجام شود تا از هرگونه سوءاستفاده یا تأخیر غیرضروری در اجرای عدالت جلوگیری شود. قاضی باید با دقت دلایل و شواهد جدید را بررسی کرده و تصمیمی را اتخاذ کند که منطبق با عدالت و انصاف باشد.

رویه روییت دعوی بعد از حکم در سیستم‌های قضایی مختلف: در بسیاری از سیستم‌های قضایی مدرن، روییت دعوی پس از صدور حکم به عنوان یکی از ابزارهای حفظ عدالت پذیرفته شده است. این سیستم‌ها معمولاً قوانین و مقررات خاصی برای تجدیدنظر در احکام صادره دارند که به طرفین دعوی اجازه می‌دهد در صورت وجود دلایل موجه، درخواست تجدیدنظر در حکم را مطرح کنند. این قوانین به منظور حفظ حقوق طرفین دعوی و اطمینان از صدور احکام صحیح تدوین شده‌اند.

در نهایت، "مجله الأحكام العدلیه" تأکید می‌کند که قاضی باید در روییت دعوی پس از صدور حکم با دقت و با رعایت اصول شرعی و قانونی عمل کند و از هرگونه سوءاستفاده یا تأخیر غیرضروری در اجرای عدالت جلوگیری نماید. این امر به حفظ اعتماد عمومی به سیستم قضایی و اطمینان از اجرای صحیح عدالت کمک می‌کند.

### نتیجه‌گیری

"مجله الأحكام العدلیه" به عنوان یکی از منابع معتبر فقهی و قانونی، نقش بسیار مهمی در تدوین و تبیین اصول قضایی در کشورهای اسلامی ایفا کرده است. کتاب شانزدهم این مجله به طور خاص به مسائل مربوط به قضاوت و احکام قضایی پرداخته و اصول و ضوابطی را برای قضات و فرآیندهای دادرسی تدوین کرده است.

این کتاب با ارائه تعاریف دقیق از اصطلاحات کلیدی، تعیین اوصاف و آداب قاضی، و بررسی صلاحیت‌ها و وظایف قاضی، به عنوان یک راهنمای کامل برای قضات عمل می‌کند. این اصول و ضوابط به قضات کمک می‌کند تا در صدور احکام خود دقت لازم را به کار گیرند و از هرگونه خطا یا انحراف از عدالت جلوگیری کنند.

رعایت اصول بی‌طرفی، عدالت، و شفافیت در دادرسی، از جمله مهمترین مباحثی است که در این کتاب به آن پرداخته شده است. این اصول به قضات کمک می‌کند تا در تمام مراحل دادرسی و صدور حکم، حقوق طرفین دعوی را رعایت کنند و از هرگونه تصمیم‌گیری ناعادلانه جلوگیری کنند.

در نهایت، "مجله الأحكام العدلیه" تأکید می‌کند که قاضی باید همیشه به اصول شرعی و قانونی پایبند باشد و در انجام وظایف خود از هرگونه تعصب، تمایل شخصی یا فشار خارجی خودداری کند. این امر به حفظ اعتماد عمومی به سیستم قضایی و اطمینان از اجرای صحیح و عادلانه احکام کمک می‌کند.

علاقه‌مندان به کسب اطلاعات بیشتر به آدرس <https://arlo.online/> مراجعه فرمایند.